

حبيب مكرم جناب آقا ميرزا ابوالفضل عليه بهاء الله گليپايگانی

هو الشاهد العليم

يا فضل يذكر المظلوم و يبشرك بما نزل لك من القلم الأعلى في هذا الكتاب المبين و يوصيك بذكره و ثنائه و تبليغ امره العظيم هذا كتاب انزله الرحمن لمن في الامكان ليشهرهم بعناية الله رب العالمين قل انه ظهر بالحق و اظهر ما اراد و دعا الملوك و المملوك الى الله الفرد الخبير قل هذا يوم نطق بذكره كتب الله من قبل و انه سمى بيوم الله لو انتم من العارفين قل انه ظهر بالحق و استقر فيه مكلّم الطور على العرش الأعظم و ينادى الأمم و يدعوهم الى صراطه المستقيم من الناس من انكر حجة الله و برهانه و افتى عليه بظلم مبين و منهم من وجد عرف المحبوب و اقبل الى الأفق الأعلى بسرعة سبق البرق المتحرك اللامع السريع طوبى للذين ما منعهم شؤونات الهوى عن مالك الورى و نبذوا الدنيا عن ورائهم و تمسكوا بالحكمة التي امروا بها من لدن قوى حكيم طوبى لك بما نطقت بالحكمة اذ سألك السائل عما اراد ان ريك لهو المعلم المحصى الخبير

قل يا اهل البهلاء اياكم ان تخوفكم شوكة الأسماء تمسكوا بالمعروف و توكّلوا على الله العزيز الحميد يا فضل آنچه بعد حاضر ارسال داشتی در ساحت اقدس معروض داشت لله الحمد كه ترا موفق فرمود بر حكمت منزله در الواح نعم ما تكلمت به اذ سألك عما سألت جميع دوستان بايد آنچه از قلم رحمن نازل بان ناظر باشند و بان متمسك انا امرنا الكل بالمحبة الكبرى طوبى لمن وجد عرف بياني و اطّلع بما نزل في كتابي المبين بايد كل بكمال شفقت و مرحمت با عباد الله سلوك نمايند در اين صورت اگر ظلمي بر آن نفوس مقدسه وارد شود اين منتها امل مقربين و مخلصين بوده و خواهد بود

بگو ای دوستان دنیا را شانی نبوده و نیست لابد انسان از او مرور مينمايد حال اگر باسم حق واقع شود بدوام ملك و ملكوت باقى و دائم خواهد ماند جميع را تكبير برسائيد و بعنايات الهى بشارت دهيد تا كل مسرور شوند و به ما اراده الله عامل گردند از بعضى نفوس عزت اخذ شد و اين فقره در كتاب الهى از قلم اعلى ثبت شده هر منصف بصيرى شهادت ميدهد بر اينكه آنچه در ارض واقع شده ذكر آن از قبل نازل طوبى لعين رأت و لأذن سمعت ويل للغافلين انشاء الله بايد اهل الله بعين حديد و قلب قوى و رجل مستقيم بر امر الله قائم باشند و با عباد باخلاق روحانيه رفتار كنند امروز اخلاق طيبه و اعمال پسندیده ناصر امر الله بوده و خواهد بود و اين فقره در مواقع متعدده از قلم اعلى نازل از حق ميطلبم كل بيابند و بان عمل نمايند انتهى

و اينكه مرقوم داشتيد از قبل آن جناب مناجات مذکور را عرض نمايم در وقت مخصوصى مجدداً تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل في الجواب مرة اخرى يا فضل ان مولى الورى يذكرك لشكر ربك العزيز الوهاب قد حضر العبد الحاضر و عرض ما ناجيت به الله مالك الرقاب انا سمعنا و اجيناك بهذا اللوح الذى جعله الله مطلع الحيوه لمن فى الارضين و السموات انك اذا وجدت عرف بيان الرحمن و سمعت ما تكلم به مكلّم الطور فى اعلى المقام قم و قل

لك الحمد يا الهى و سيدى و مالكى و رازقى و معينى بما انطقتنى بذكرك و عرفتنى افك الذى اعرض عنه اكثر الأنام اسألك بآياتك الكبرى و ندائك الأحدى الذى ارتفع بين الأرض و السماء بأن تنزل من سماء جودك و سبحانه رحمتك ما تطمئنن به قلوب اودانك على شأن لا تخوفهم شؤونات العالم و سطوة الأمم انك انت المقتدر على ما تشاء لا اله الا انت العزيز العلام انتهى

اينكه مرقوم داشته بوديد يکى از دوستان الهى از اشتغال احباً بصنعت اكسير اظهار حزن نموده انه نطق بالحق فى الحقيقه حق با ايشانست در نهى اين عمل الواح متعدده از سماء مشيت الهيه نازل و باطراف ارسال شد بسيار عجب است با نهى صريح باين عمل لايسمن و لايعنى مشغول شوند بعضى از نفوس در عراق و ارض سرّ از صنعت معروف مكنوم سؤال

نمودند در جواب از سماء مشیت رحمن نازل شد آنچه نازل شد بکرات این عبد از لسان مبارک اصغا نمود که فرمودند اگر سائلین حمل بر عجز و دون آن ننمودند هرآینه کلمه‌ئی در ذکر آن نازل نمیشد و مکرر عباد را از عمل بآن نهی فرمودند نهیاً عظیماً فی الكتاب حسب الأمر آنکه آن جناب و اولیای امر بحکمت و بیان دوستان حق را از اشتغال باین عمل که فی الحقیقه سبب تزییع عمر است منع نمایند انتهى

در اکثر الواح میفرمایند اهل ارض را آگاه نمائید و به ما ینفعهم هدایت کنید امروز سماء بینش مرتفع و آفتاب دانش مشرق فرصت را مگذارید و وقت را غنیمت شمارید امروز روزیست که انسان قادر است مالک شود امری را که در غیر این یوم بخزائن ارض کلها مالک نشود امروز اصغا مینماید آنچه را که در غیر آن اصغای او ممکن نه جهد نمائید تا ذکر ابدی را مالک شوید اینست نصائح مشفقانه و مواعظ حسنه محبوب امکان انتهى

در باره نفوسی که در واقعه مذکوره مرقوم داشته بودید که باخذ و حبس مبتلا گشتند در مقام ارفع امع اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة

هو الذاکر المشفق العلیم

یا اباالفضل ینادیک لسان الفضل من سجن عکاء و یشترک بعنایة ربک مالک الأسماء اذا سمعت و فزت ان اشکر و قل لک الحمد یا اله العالمین انا نرید ان نذکر اولیاء الله الذین اخذوا و حبسوا من دون یتة و لا کتاب من الله العلیم الحکیم یا احباء الرحمن ان افرحوا بما یدکرکم المظلوم بهذا الذکر الذی منه فاح عرف القمیص بین السموات و الأرضین قد حملتم فی حبی ما لا حملة العباد من قبل یشهد بذلك قلم الله الناطق العلیم لا تحزنوا عمّا ورد علیکم قد ورد علینا ما نوح به اهل الفردوس الأعلى و الجنة العلیا و الناس اکثرهم من الغافلین قد اخذونا مرّة بعد مرّة و حبسونا کرّة بعد کرّة و انه فی السجن الأعظم امام وجوه العالم ینادی و یقول تالله قد ظهر یوم الله و نطق فی الغیب المکنون و الكنز المخزون انه لا اله الا انا الفرد الخبیر

ای دوستان بر شما وارد شده آنچه بر نفس حقّ وارد شده الحمد لله ظلم نمودید و مظلوم واقع شدید در صدد اذیت نفسی نبودید و بمنتها اذیت مبتلا گشتید از برای خلق بکمال شفقت از حقّ رحمت خواستید سطوت نعمت دیدید آزادی خواستید باسیری رفتید جمیع اشجار فردوس به طوبی لکم ناطق و اثمار به بشری لکم ذاکر اگر از نفسی ظلمی ظاهر نشود و به غیر ما حکم به الله عمل نماید آنچه بر او وارد شود فی سبیل الله آثار آن در ارض مثل علم علی الأتلال ظاهر و هویدا گردد یا احباء الرحمن طوبی لکم بما صبرتم و لکم حسن المبدأ و المآب چه قدر محبوبست بلایا در سبیل مالک اسماء و چه قدر باثمر است رزایا در ره دوست یکتا لعمر الله سلطنت عالم باین مقام برابری نماید و عزّت و ثروت امرایان معادله نکند چه بسیار از لیلی که وحوش و طیور و سباع در اوکار و ایكات و غیاض خود مستریح بودند و شما در دست اعدا مبتلا وصیت این مظلوم آنکه این مقام بلند اعلی را از دست مدهید از شئون انسانیّت در هیچ احوال خارج نشوید اخلاق و اطوار سباع و وحوش را باهلس واگذارید بشنوید و نگوئید عطا نمائید و در صدد اخذ عطا نباشید انشاءالله امام وجوه هر یک از شما علم عدل و رایع عقل مشاهده شود و البته از این اعمال پاک و اخلاق پاکیزه طاهره انوار عدل که از ظلم ظالمین محجوب و مستور است باسم الهی اشراق نماید اذاً ترون الأرض غیر الأرض و تنطق الذرات بأعلی النداء قد انار افق العدل بشمس ذکر ربنا المقتدر الظاهر السّمیع البصیر

یا اهل صاد یا مهاجرین ارض صاد یا غربای ارض صاد یا اسرای ارض صاد قلم اعلی از شما غافل نشده در باره شما از او جاری شد آنچه که بحیات جاودانی مزین است آنچه بر حقّ بود ادا فرمود آنچه بر شماست حفظ این مقام است انشاءالله بکمال تقدیس و تنزیه و شفقت و عنایت و مهربانی مابین ناس ظاهر باشید هیچ عملی عندالله ضایع نشده و نخواهد

شد نفوسی که از شما بافق اعلى صعود نمودند بعزّت و نعمتی فائزند که جمیع عالم از احصای آن عاجز و قاصرند یا اهل الصّاد ان استمعوا ما نطق به لسان العظمة من قبل و ينطق فی هذا الحین بما تقرّر به عیونکم و تفرح به قلوبکم أنّه لهُ العزیز الوهّاب قد نزلت اسمائکم من القلم الأعلى فی الواح شتی یشهد بذلك مالک الأسماء اذ كان مستویاً علی عرش اسمه المختار قد ورد علیکم فی سبیل اللّهُ ما صاحت به الصّخرة و ناحت الجبال و الآکام قد اخذتکم الأحران فی هذا الأمر سوف تجدون انفسکم فی فرح من لدن ربّکم العزیز العلام ان افرحوا بما یذکرکم المظلوم و یشیرکم بما قدرّ لکم من لدی اللّهُ مالک الأنام و نذکر کلّ من سعد فی ديار الغریة اذ كان مهاجراً فی سبیل اللّهُ مالک الأرواح النور المشرق من افق ارادة مالک الأسماء علیکم و علی الدین قاموا علی نصره امر ربّهم بالحکمة و البیان اشهد انکم آمنتم باللّهُ اذ کفر به کلّ مشرک مرتاب قد اقبلتم الی الأفق الأعلى و سمعتم نداء ربّکم مالک الأسماء و فزتم بالبلی اذ ارتفع نداء اللّهُ ربّ الأرباب طوبی لکم و لمن یذکرکم بعد صعودکم الی مقام انقطعت عنه اذکار العباد كذلك دلح دیک العرش و هدرت حمامة العدل اذ احاطت الظلم من فی الآفاق انتهى

فی ۴ رجب ۱۲۹۸

این سند از کتابخانه مرجع بهائی دانیلد شده است. شما مجاز هستید از متن آن با ترجمه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۱ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر